

داریوش بایندر

ترجمه بهمن سراجیان

ایران و سازمان سیا

بازنگری در سقوط دولت مصدق



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
کتابخانه ملی

سرشناسه: بایندر، داریوش. ۱۹۳۹-م. Bayandor, Darioush

عنوان و نام پدیدآور: ایران و سازمان سیا؛ بازنگری در سقوط دولت مصدق / ترجمه بهمن سراجیان

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص. مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۲-۱۲۷-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Iran and the CIA: the fall of Mosaddeq revisited. 2010

یادداشت: کتابخانه

موضوع: مصدق، محمد، ۱۲۶۱ - ۱۳۴۵ / سازمان سیا - تاریخ

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / نفت - ایران - صنعت و تجارت - ملی شدن

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ - سیاست و حکومت.

شناسه افزوده: سراجیان، بهمن، ۱۳۴۴ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۵۱۷/۲:۹ ۱۳۹۲

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۰۱۷۲۵



■ ایران و سازمان سیا؛ بازنگری در سقوط دولت مصدق

داریوش بایندر ترجمه بهمن سراجیان

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی و گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: آرمانسا

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۴، ۷۰۰ نسخه قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

هرگونه بهره‌برداری از کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

● طبقه دوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com ●

فهرست مطالب

۱۳.....	تقدیر و تشکر.....
۱۷.....	مقدمه نویسنده.....
۲۳.....	مقدمه مترجم.....
۲۷.....	پیش گفتار.....
۳۰.....	چگونگی شکل گیری ماجرا.....
۳۳.....	افسانه نقش سیا چگونه رشد کرد و جا افتاد.....
۳۹.....	چرا پرونده های سازمان سیا هنوز طبقه بندی شده باقی مانده اند.....
۴۲.....	پی نوشت.....
۴۹.....	فصل اول: زمینه.....
۵۰.....	نفوذ بیگانه به عنوان عامل محرک در عرصه سیاست ایران.....
۵۳.....	حزب توده.....
۵۴.....	بحران آذربایجان ۱۹۶۴-۱۹۴۵ / ۱۳۲۵-۱۳۲۴.....
۵۸.....	محمدرضا شاه پهلوی.....

- ۶۰..... علما به عنوان یک نیروی سیاسی. اجتماعی
- آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، طلایه دار دخالت روحانیون [در سیاست]
- ۶۳.....
- ۶۷..... رزم آرا: پیش درآمد بحران ملی شدن نفت
- ۷۳..... پی نوشت
- ۸۹..... فصل دوم: روی کار آمدن مصدق و بحران نفت
- ۹۰..... شکل گیری جبهه ملی
- ۹۳..... نامزدی مصدق برای نخست وزیری
- ۹۶..... دکتر محمد مصدق، نمای کلی
- ۹۷..... نخستین واکنش بریتانیا به ملی شدن صنعت نفت
- ۱۰۲..... برخورد اولیه آمریکایی با مناقشه نفت
- ۱۰۷..... صف بندی های سیاسی در تهران
- ۱۱۰..... روند ابتدایی مناقشه نفت
- ۱۱۳..... شکایت بریتانیا به شورای امنیت
- ۱۱۶..... مذاکرات نفت در واشنگتن
- ۱۱۹..... پیشنهاد بانک جهانی
- ۱۲۲..... برآوردهای اولیه
- ۱۲۵..... پی نوشت
- فصل سوم: دولت دوم مصدق (ژوئیه ۱۹۵۲ تا اوت ۱۹۵۳ / تیر ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲)
- ۱۳۹.....
- ۱۴۲..... دولت مستعجل قوام و قیام مردمی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ / ۲۱ جولای ۱۹۵۲
- ۱۴۶..... شکاف در میان طرفداران مصدق
- فرصتی برای برون رفت از بحران نفت: پیشنهاد مشترک ترومن - چرچیل
- ۱۴۹.....
- ۱۵۴..... اصلاحات مصدق و نظریه مشروعیت

۱۵۷.....	راهبرد دوگانهٔ بریتانیا؛ چانه‌زنی و براندازی
۱۵۹.....	پنهان‌کاری
۱۶۳.....	روند چانه‌زنی
۱۶۵.....	قطع روابط سیاسی با بریتانیا
۱۶۶.....	آخرین تلاش‌ها برای حل مناقشهٔ نفت
۱۶۹.....	روزی فراموش شده در حافظهٔ جمعی ایرانیان
۱۷۳.....	بی‌نوشت
۱۸۷.....	فصل چهارم: سرایشی سقوط
۱۸۹.....	خانلهٔ نهم اسفند
۱۹۳.....	آیت‌الله العظمی بروجردی: تصویری کلی
۱۹۷.....	فضل‌الله زاهدی
۱۹۹.....	توطئه‌های داخلی
۲۰۰.....	ربودن رئیس شهرانی
۲۰۱.....	ارتباط: تی‌پی‌آژاکس و دسیسهٔ داخلی
۲۰۵.....	تابستان پرمخاطره
۲۰۹.....	کسب رضایت شاه
۲۱۵.....	شکست کودتای تی‌پی‌آژاکس
۲۲۱.....	بی‌نوشت
۲۳۹.....	فصل پنجم: سرنگونی
۲۴۰.....	جمع‌شدن ایرهای توفان، ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۲۴۹.....	عقب‌گرد: حوادث منتهی به سقوط مصدق در ۲۸ مرداد
۲۵۶.....	نظارت سفارت آمریکا
۲۵۷.....	واپسین ساعت‌ها
۲۶۰.....	عامل نظامی در سقوط مصدق
۲۶۲.....	طراحی نظامی تی‌پی‌آژاکس و نقش افسران ایرانی

۲۶۷.....	پی نوشت
۲۸۳.....	فصل ششم: کالبدشکافی کودتای ۲۸ مرداد
۲۹۰.....	فعالیت ایستگاه سیا در تهران، ۲۵ تا ۲۸ مرداد
۲۹۳.....	نقش عوامل ایرانی
۳۰۲.....	شگفتی در واشنگتن
۳۰۶.....	آخرین دیدار هندرسن، سفیر آمریکا، با مصدق
۳۱۱.....	پول سازمان سیا
۳۱۴.....	سند سری مهجورمانده بریتانیا
۳۱۷.....	تحلیل سند سری بریتانیا
۳۲۲.....	کودتا، رستاخیز مردمی یا عنوانی دیگر؟
۳۲۵.....	پی نوشت
۳۳۹.....	فصل هفتم: جرقه از کجا زده شد؟
۳۴۲.....	حلقه مفقوده: شخصیتی به نام [آیت الله العظمی] بروجردی
۳۴۹.....	پی نوشت
۳۵۳.....	فصل هشتم: خلاصه و نتایج
۳۵۴.....	ساختار قدرت و تحرکات داخلی در اوایل دهه ۱۳۳۰ / ۱۹۵۰
۳۵۷.....	حکومت مصدق
۳۶۲.....	مدیریت بحران نفت و بن بست نفتی
۳۶۴.....	توطئه های داخلی و خارجی
۳۶۹.....	کودتای تی پی آژاکس [۲۸ مرداد ۱۳۳۲] و پیامدهای آن
۳۸۰.....	نقش علما
۳۸۲.....	دلایل شکست مصدق
۳۸۵.....	کتاب ها و نشریات فارسی
۳۸۹.....	نمایه

مقدمه نویسنده

این کتاب کوششی است برای به تصویر کشیدن دوران نخست وزیری ۲۷ ماهه دکتر محمد مصدق تا بتوانیم با روشنگری بیش تر درباره حوادثی که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به سقوط وی انجامید، بی طرفانه قضاوت کنیم. حادثه ای که بی شک سرنوشت ایران را عوض کرد و شاید در مقیاسی وسیع تر بر صحنه جهانی نیز تأثیر گذاشت. به یقین این رخداد گسلی بود که ایرانیان را به مدت چندین نسل از یکدیگر جدا کرد و به دلایلی که در پیش گفتار به تفصیل آورده ام، تأثیرهای آن هنوز باقی است. به علاوه، با جمع بندی بررسی های مکرر این واقعه در رسانه ها و حجم زیاد انتشارات آکادمیک و شبه آکادمیک، هنوز این واقعه جاذبه ذهنی و اهمیت سیاسی خود را حفظ کرده است. در حقیقت، در تاریخ معاصر خاورمیانه، حوادثی که چنین نفوذ تاریخی دارند، بسیار اندکند. به هر حال، اولین پرسش این است: چرا باید این فصل از تاریخ را دوباره بنویسیم؟

پروفسور ویلیام راجر لوتیس که در سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ برای پروژه‌ای در مورد سرنگونی مصدق مقاله می‌نوشت، فصلی از کتاب خود را با یک هشدار تأمل برانگیز آغاز کرده بود: سقوط دولت مصدق در مرداد ۱۳۳۲/اوت ۱۹۵۳، موضوعی است که گاه باید آن را مجدداً ارزیابی کرد... فاصله بیش‌تر و دسترسی وسیع‌تر به مطالب آرشیوی، انسان را به نگاهی بی‌طرفانه به این موضوع تشویق می‌کند، موضوعی که هنوز مشحون از فرضیات ایدئولوژیک است.

وقتی در زمستان ۱۳۸۵/۲۰۰۶ مقدمات کتاب حاضر را آماده می‌کردم، تقریباً همین برداشت‌ها ذهنم را مشغول کرده بود، زیرا دانشجویی بودم علاقه‌مند به تاریخ معاصر ایران، و با ادبیات دوران مصدق نیز کاملاً آشنا. به‌خصوص انتشار کتابی نوشته کرومیت (کیم)^۱ روزولت در ۱۳۵۷، که در آن زمان معروف به مهندسی ضربه نهایی به دولت مصدق بود، سبب شد نمایش ظالمانه‌ای که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باعث سرنگونی او شد، درک و همدلی بیش‌تری پیدا کند. تحت تأثیر «افشاگری‌های» این کتاب و بی‌شک با فرو افتادن رژیم سلطنتی در ایران، ۲۵ سال بعد از وی حجم وسیعی از کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌ها به بازار آمد. بورسیه‌هایی در آمریکا و انگلستان برای تحقیقات وسیع و مفید به راه افتاد که شامل مصاحبه‌هایی با مأموران سیا، اینتلجنس سرویس و ام‌آی‌سیکس درگیر در کودتای ۱۳۳۲ می‌شد. خاطرات منتشر شده در ایران و جاهای دیگر توسط مخالفان یا بازیگران جنبی کودتا باعث غنای ادبیات این واقعه شده، اما این حجم مؤثر از کارهای علمی، به عقیده من، از مفروضات ایدئولوژیک به دور نبوده است. و به قول پروفسور لوتیز، پس از نیم قرن هنوز مطالب و اسناد مربوطه از طبقه‌بندی خارج نشده است.

در سال ۱۳۷۹/۲۰۰۰، تاریخچه سری و داخلی سیا در نشریه

نیویورک تایمز درز کرد که اولین گزارش رسمی از عملیات سیا در ایران طی سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳ بود. بیش تر حجم این گزارشی که درست یک سال پس از آن واقعه نوشته شده، به عملیات تی پی آژاکس می پردازد که به توطئه کودتای نافرجام علیه مصدق در واپسین ساعات ۲۵ مرداد ۱۳۳۲/۱۵ اوت ۱۹۵۳ معروف است. پوشش تاریخیچه داخلی از حوادث پس از این اقدام به کودتا و ارتباط آن ها با فعالیت های انجام شده توسط ایستگاه سیا در تهران، عمداً مبهم است. تاریخیچه داخلی سیا عمداً بسیاری از چیزها را جانداخته و حتی ارتباط عملیات سیا در تهران و حوادث حاصل از سقوط دولت مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را پنهان داشته است. این امر متناقض با سند سیا است که نشان دهنده اظهارات عاملان میدانی و به خصوص کیم روزولت است، ولی خواننده ای که اطلاعات وسیعی ندارد، شاید به راحتی گزارش را تأیید ادعاهای بعدی روزولت فرض کند.^۲

در ذهن دیرباور من، یک جای کار نقص داشت. روایت روزولت در کتاب ضدکودتا، در اصل خود چیزی غیرواقعی داشت و بی شباهت به قهرمان بازی های شخصیت داستان نیست که یک تنه در محیطی خصمانه با عملیات محیرالعقول پیش می تازد. این قهرمان آمریکایی که در ابتدا عقب نشینی کرده بود، مجدداً دورخیز می کند و پیروزی را در کمتر از ۴۸ ساعت، از چنگ و دندان شکست می قاپد. از طرف دیگر، این ادعای شاه نیز که سقوط مصدق را از عواقب یک رستاخیز مردمی (قیام ملی) دانسته بود، چندان باورنکردنی نیست.

در جریان سقوط مصدق حلقه گمشده چه بود؟ این چالش شماره یک بود که می بایست بر آن فائق می آمدیم و کتاب حاصل چنین تلاشی است. در فصول ۵، ۶ و ۷ شواهد و اسناد فراوان و تحلیل های زیادی در مورد موضوع اصلی ارائه شده است. در حالی که چهار فصل

اول توصیفی شماتیک از سابقه‌ای است که حوادث غمبار مرداد ۳۲ را به وجود آورده است. یافته‌های این مطالعه در فصل نتیجه‌گیری‌ها منعکس شده است. در درجه نخست، این کتاب براساس اسناد آرشیوی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۳ / ۱۹۵۳-۱۹۴۳ است که به‌طور خلاصه به آن فراس (FRUS) می‌گویند و با مطالب چاپ‌شده و بیرون‌آمده وزارت خارجه بریتانیا همخوانی دارد. این اسناد هم‌چنین دوره‌ای از گسست روابط سیاسی بین ایران و بریتانیا را در بر می‌گیرد که در مهر ۱۳۳۱ / اکتبر ۱۹۵۲ اتفاق افتاد. تاریخچه داخلی سیا نیز مورد تجزیه و تحلیل و پردازش قرار گرفته و یک گزارش فوق سری بریتانیا به تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۳۲ / دوم سپتامبر ۱۹۵۳- که تا آن‌جا که من می‌دانم، تا امروز در کتاب‌های تاریخ مورد توجه قرار نگرفته و در اسناد از طبقه بندی خارج شده وزارت خارجه آمریکا چاپ شده است. (فراس ۱۳۳۳-۱۳۳۱ / ۱۹۵۴-۱۹۵۲. جلد پنجم) این سند که فقط دو هفته پس از سقوط مصدق نوشته شده است، هشت صفحه دارد و در بخش ششم به‌طور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. علاوه بر منابع دولتی، خاطرات و بازگفته‌های مخالفان و طرفداران مصدق - کرمیت روزولت و اردشیر زاهدی و برخی افراد جنبی مثل غلامحسین صدیقی، مظفر بقایی، نورالدین کیانوری، کریستوفر وودهاوس، ساموئل فال و دیگران نیز به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که در مورد خاطرات رایج است، آن‌ها را بار و بنه شخصی، مخلوطی از واقعیات، لغزش حافظه و با دورزدن‌های عمدی می‌دانند و بر عهده مورخ است که واقعیات و شبه واقعیات را غربال کند. تلاش برای چنین اقدامی، در بررسی اطلاعات موجود انجام شده است. پوشش مطبوعاتی رسانه‌هایی مثل نیویورک تایمز و تایم، اخبار رسانه‌های ایران و روزشماری فارسی و نیز مطبوعات فارسی زبان مورد

بررسی بوده‌اند. اطلاعات به دست آمده از منابع غیرآرشیوی مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با شواهد مربوطه تطبیق داده شده است. شخصیت‌ها و رفتارشناسی چهره‌های طرفدار اصلی تا آن جا بررسی شده که گمان می‌رفته این عناصر بر سیر حوادث اثرگذار بوده‌اند. روایت با ارجاعات و نقل‌های فراوانی که اطلاعات جنبی در موارد و مطالب خاصی را ارائه می‌کنند، پردازش شده تا زمینه نقش‌آفرینی افراد دخیل را بهتر بتوان درک کرد. اینان را باید فرع بر روایت اصلی گرفت تا از جریان متن اصلی جدا بمانند، ولی در عین حال، برای درک بهتر آن دوره و بافت سیاسی که در آن حوادث رخ داده است، نقشی اساسی دارند. در مورد شخصیت‌های مثبت ایرانی، خود را محدود به شواهد و آرشیو کرده‌ام. کسی را محکوم و یا متهم نکرده‌ام. وظیفه اصلی مورخ، فراهم کردن اطلاعات و هدایت روند هاست. حکمی در کار نیست، فقط و فقط یافته‌ها مهم است. اطلاعات موجود در این مطالعه یا هر واقعه دیگری، قرار نیست حامیان بی قید و شرط شخصیت‌های مذهبی یا ملی یک دوره زمانی را راضی کنند، ولی حتی یک مشاهده در مورد مصدق را باید در نظر داشت.

مصدق در مقام یک شخصیت تاریخی نیازی به بحث شدن ندارد. او را باید شخصیتی به حساب آورد که پابندهای استعمار نورا از پاهای نشاط و پویایی اصلی ایران - صنعت نفت - برگرفت. او در عرصه بیداری جهان سوم در برهه پس از جنگ جهانی دوم فعال و اثرگذار و البته بدون خطا و اشتباه نبوده است. خطاهای راهبردی او، به عوامل داخلی که موجب سقوط وی شد، کمک کرد، اما این واقعیت نباید ایرانیان را از تحسین خاطره او و ارج نهادن به دستاوردهای تاریخی‌اش، باز دارد.^۳